

# نظارت بر

## نشر کتابهای کودک و نوجوان



### دغدغه‌ها و راه‌حل‌ها



مجید محمّدی

مقدمه

د. داوری و قضاوت را که باید در چارچوب دستگاه قضایی صورت گیرد به قوه مجریه می‌سپارد.  
ه. تجربه مطبوعات در ایران نشان داده است که عدم ممیزی در این حیطه به امنیت ملی و نظام ارزشی جامعه آسیبی نمی‌رساند.  
و. ممیزی ناقض حقوق اساسی ناشران و پدیدآورندگان است.

ز. ممیزی ناقض مسئولیت مدنی شهروندان است، چون این مسئولیت را به دولت واگذار می‌کند. ولی علی‌رغم نکات فوق، برخی معتقدند که حتی

کسانی که در حیطه ادبیات بزرگسالان، جهت حفظ بهداشت فکری جامعه بر ممیزی کتاب پای می‌فشرند به طریق اولی در حیطه ادبیات کودکان و نوجوانان به این امر پایبندند، چون معتقدند که کودکان و نوجوانان برخلاف بزرگسالان صاحب قدرت تشخیص نیستند و نمی‌توانند مفید را از غیر مفید یا خوب را از بد یا بدآموز را از خوب‌آموز تمیز دهند. همان‌طور که مؤلف این نوشته در دیگر مقالات مربوط به ممیزی نشان داده است<sup>(۱)</sup>، اصولاً ممیزی در شرایط حاضر نه ممکن است و نه مطلوب، چون (به طور خلاصه):

الف. ضابطه‌مند شدن آن غیر ممکن است (سلیقه‌های میزان چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی و جناحی دخیل خواهد بود).  
ب. به روند تولید آزاد و خلاقانه محصولات فرهنگی آسیب می‌رساند.

ج. تکنولوژیهای نوین رسانه‌ای (بزرگراههای اطلاعاتی، نظامهای چند رسانه‌ای و انواع تکنولوژیهای ضبط و حافظه) که به راحتی قابل کنترل نیستند امکان انتقال هرگونه مواد رسانه‌ای را فراهم آورده‌اند.

۱- «ممیزی کتاب: مبانی و دشواریها»، جهان کتاب، سال اول، جهان کتاب، سال اول، ش ۱۰ و ۱۱، اسفند ۱۳۷۴.

«ممیزی کتاب: جیستی، چرایی، پیامدها، روشها»، جهان کتاب، سال سوم، ش ۳ و ۴، بهمن ۱۳۷۶.  
«نشر کتاب: نهادی دیرپا اما بلا تکلیف»، بهمن، شنبه ۷ بهمن ۱۳۷۴.

«ممیزی در چشم انداز ایدئولوژی و جامعه مدنی»، کیان، ش ۲۷، سال پنجم، مهر و آبان ۱۳۷۴.  
«ممیزی کتاب در چالش تمامیت خواهی و حقوق ملت»، ایران فردا، سال ششم، ش ۳۹، دی ۱۳۷۶.  
«سانسور دولتی»، ایران فردا، سال چهارم، ش ۲۴، اسفند ۱۳۷۴.

## بر نهاده نویسنده در این مقاله آن است که ممیزی کتاب در حیطه کتابهای کودکان و نوجوانان نیز با همان استدلالهای مربوط به لغو ممیزی در حیطه کتب بزرگسالان باید برداشته شود.

مستقیمی برقرار کرد. از این جهت باید تمهیداتی وجود داشته باشد که حقوق عمومی و بالخصوص حقوق کودکان و نوجوانان در این نوع موارد خدشه دار نشود.

ب. داستانها و روایت‌های ترسناک و مملو از ارباب می‌توانند امنیت روانی کودکان و نوجوانان را مورد تهدید قرار دهند و احساس عدم امنیت در کودکان و نوجوانان می‌تواند آسیب‌هایی ماندگار به شخصیت آنها وارد نماید.

ج. کودکان و نوجوانان ممکن است کتابهایی را که مربوط به خود آنها نیست، مورد استفاده قرار دهند و از این جهت در معرض انواع خطرات قرار گیرند. به طور کلی اگر کالاهای رسانه‌ای مخاطبان خود را مشخص نکنند، می‌توانند متضمن فریب آنان باشند.

د. کودکان و نوجوانان ممکن است انواع رفتارهای خطرناکی را که برای آنها تبلیغ یا مثبت جلوه داده می‌شوند تقلید کنند و رخدادهای جبران‌ناپذیری را به بار آورند. قانون باید از آنها در برابر این‌گونه تبلیغات حمایت کند.

ه. هر نسل به دنبال آن است که در فرایند اجتماعی شدن، نسل بعد را براساس هنجارهای خود، اجتماعی کند. از نظر بزرگسالان، نفی این هنجارها و ارزشها در کتابهای کودکان و نوجوانان به معنی نفی هویت فرهنگی و اجتماعی است.

اگر بتوان ممیزی کتاب را در حیطه کتابهای بزرگسالان - به دلیل منافع بسیار زیاد در مقابل مضار آن - حذف کرد، در حیطه آثار کودکان و نوجوانان، این ممیزی همچنان باید برقرار بماند، چون کودکان و نوجوانان قدرت تشخیص بدآموزی، دفاع از خود و طرح شکایت به صورت شاکه خصوصی در دادگاه را ندارند.

بر نهاده نویسنده در این مقاله آن است که ممیزی کتاب در حیطه کتابهای کودکان و نوجوانان نیز با همان استدلالهای مربوط به لغو ممیزی در حیطه کتب بزرگسالان باید برداشته شود. نویسنده در این مقاله درصدد است نشان دهد که قانون می‌تواند دغدغه‌های مربوط به رعایت حقوق کودکان و نوجوانان در حیطه کتاب را لحاظ کرده، راه‌حلهایی برای پاسخ به آن دغدغه‌ها عرضه کند.

### دغدغه‌ها

اگر ممیزی در حیطه کتب کودکان و نوجوانان برداشته شود، دغدغه‌هایی به وجود خواهد آمد که باید با دقت به آنها توجه داشت. عمده این دغدغه‌ها عبارتند از:

الف. موارد بسیاری در عالم رسانه‌ها دیده شده است که می‌توان با توجه به آنها، بین انواع خشونت‌های عرضه شده و رفتار خشونت‌آمیز کودکان و نوجوانان - تحت تأثیر آنها - رابطه

نویسنده در این مقاله درصدد است نشان دهد که قانون می‌تواند  
دغدغه‌های مربوط به رعایت حقوق کودکان و نوجوانان در حیطه کتاب  
را لحاظ کرده، راه‌حلهایی برای پاسخ به آن دغدغه‌ها عرضه کند.

برخی معتقدند که حتی اگر بتوان ممیزی کتاب را در حیطه کتب بزرگسالان - به دلیل منافع بسیار زیاد در مقابل مضار آن - حذف کرد، در حیطه کتابهای کودک و نوجوان، این ممیزی همچنان باید برقرار بماند، چون کودکان قدرت تشخیص بدآموزی و دفاع از خود و طرح شکایت به صورت شاکی خصوصی در دادگاه را ندارند.

از رونق برخوردار باشند، سبب بالا رفتن سطح مطالعه بین کودکان و نوجوانان شوند، مقوم هویت ملی باشند و...، باید از طریق سیاستهای پیشنهادی به بخش یا بخشهای مسئول این امور در دولت، تشکلهای مدنی و دست‌اندرکاران کتاب، اهداف فوق را دنبال کنند. انواع سیاستهای حمایتی و هدایتی می‌توانند معطوف به تحقق این اهداف باشند.

ب. تفاوت قانون و آئین‌نامه. قانون، ساز و کارها، نهادها و احکام کلی را مشخص می‌کند و آیین‌نامه، جزئیاتی را که مجریان در جریان عمل به آنها برمی‌خورند. از این حیث تأسیس نهادی مثل یک مدعی‌العموم، برای پیگیری حقوق کودکان و نوجوانان را باید بر عهده قانون‌نشر کتاب گذاشت، اما تعیین جزئیات مربوط به ذکر گروه سنی بر روی جلد کتاب، کاری نیست که بر عهده قانون باشد و آیین‌نامه اجرایی قانون متکفل آن است.

ج. تفاوت شساک عمومی و مدعی‌العموم تخصصی. در حیطه حقوق عمومی معمولاً این قوه قضایی است که در مقام شاکی، موارد نقض حقوق شهروندان را پیگیری می‌کند. اما در حیطه‌های تخصصی این امر باید بر عهده یک گروه کارشناسی گذاشته شود. تنها متخصصان ادبیات و حقوق کودکان و نوجوانان هستند که می‌توانند موارد نقض حقوق کودکان و نوجوانان را تشخیص و جهت بررسی به دادگاه ارجاع دهند. نماینده دادستان، صرفاً به خاطر نماینده دادستان

و تربیت و رشد کودکان و نوجوانان برای والدین آنها و جامعه امری بسیار خطیر است. موادو کالاهای رسانه‌ای نباید ناقض حقوق والدین در انتخاب نحوه تربیت و رشد فرزندانشان باشند. ز. ممکن است برخی گروههای سیاسی، کودکان و نوجوانان را آماج تبلیغات سیاسی خویش قرار دهند. آنان ممکن است ذهن کودکان را با موضوعاتی درگیر کنند که متناسب با سن آنها نباشد و تنها باعث سوءاستفاده از آنان در جهت مضامع و منافع سیاسی گروههایی خاص شوند.

#### راه‌حلا

پیش از پرداختن به راه‌حلهای مربوط به دغدغه‌های فوق در یک چارچوب قانونی و در شرایط حذف ممیزی، چند نکته قابل تذکر است:

الف. تفاوت «سیاست» (Policy) و «قانون». سیاست به معنی شیوه‌ها و راهکارهایی جهت تحقق اهداف موردنظر، اصولاً با قانون که باید‌ها و نبایدها را روشن می‌کند تفاوت دارد. از این جهت اگر گروهی به عنوان کارشناس ادبیات کودک و نوجوان یا مدافع حقوق کودکان و نوجوانان به دنبال آن باشند که سطح تألیف کتابهای ویژه کودکان و نوجوانان بالا برود، زبان این کتابها، زبان پیراسته‌ای باشد، از نظر تصویرگری (در مورد کتابهای خاص کودک و نوجوان ایرانی) دارای رنگ و بوی ایرانی باشند، حیات مستقلی داشته باشند و دنباله‌رو آثار تلویزیونی و ویدئویی نباشند، در مقایسه با دیگر قلمروهای نشر، همیشه

بودن از چنین تخصصی برخوردار نیست. عدم توجه به این نکته در حیطه مطبوعات، در سالهای دهه هفتاد که مطبوعات رونق زیادی یافته‌اند و موارد زیادی درباره فعالیت آنها در دادگاهها مطرح شده، مشکلات بسیاری را برای مدیران مسئول آفریده است.

با توجه به نکات فوق، اکنون می‌توان راه‌حلهای مربوط به استیفای حقوق کودکان و نوجوانان را در صورت حذف ممیزی مطرح کرد. در چارچوب قانون، از سه طریق می‌توان به اولیای کودکان و نوجوانان و جامعه، جهت عدم نقض، یا در صورت نقض، پیگیری قضایی آن، اطمینان داد:

۱. از طریق هیئت نظارت؛ در صدور مجوز و در نظارت
۲. از طریق هیئت منصفه
۳. از طریق تعیین جرائم و مجازاتها

هیئت نظارت، در قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ مرکب است از نمایندگان سه قوه، یک کارشناس دانشگاهی با معرفی وزیر فرهنگ و آموزش عالی و نماینده مدیران مسئول. در واقع صدور مجوز توسط این هیئت یعنی صدور مجوز توسط حاکمیت سیاسی کشور. هنگامی که برای یک نشریه مجوز صادر می‌شود، این بدان معنی است که حاکمیت سیاسی، فردی را به نام مدیر مسئول، حائز شرایط برای انتشار نشریه دانسته است و در صورت تعرض به وی، از او حمایت می‌کند. در دوران گذار از جامعه استبدادی به جامعه مدنی که هنوز تشکلهای مدنی فراگیر و قوی برای

دفاع از حقوق افراد وجود ندارند و نیز احساس مسئولیت مدنی به یک پدیده عمومی تبدیل نشده است، هیئت نظارت، کارکردی مثبت جهت استیفای حقوق افراد و تضمین آزادیهای آنان و نیز مسئولیت‌خواهی از شهروندان دارد. در حیطه نشر کتاب نیز در شرایط کنونی ایران، قانون نشر کتاب باید چنین نهادی را تأسیس کند. اما هیئت نظارت مربوط به قانون نشر کتاب، علاوه بر شرایطی که صلاحیت فرد را جهت نشر کتاب معین می‌کند، باید در حیطه نشر کتابهای کودکان و نوجوانان شرط ویژه دیگری را در نظر بگیرد. این شرط، تجربه است. بدین معنی که مدیر مسئول مؤسسه نشری که می‌خواهد آثار مربوط به کودکان و نوجوانان را منتشر کند باید از تجربه لازم در فعالیتهای فرهنگی و هنری مربوط به این گروه برخوردار باشد.

و اما هیئت نظارت در حیطه وظایف نظارتی خود (که اصل صدور مجوز و حمایت از صاحبان پروانه را موجه می‌سازد) طبیعتاً باید از مشورت کارشناسان برخوردار باشد. هیئت نظارت مربوط به قانون نشر کتاب در حیطه کتب کودکان و نوجوانان باید از کارشناسانی در زمینه‌های گوناگون مربوط به کودکان و نوجوانان، مثل روان‌شناس کودک، حقوقدان آشنا به حقوق کودکان و نوجوانان، کارشناسان ادبیات کودک و نوجوان و کارشناسان رسانه‌های کودک و نوجوان تشکیل شود تا قادر باشد که پس از انتشار کتابها به طور مرتب آنها را مورد بررسی

**در حیطه حقوق عمومی معمولاً این قوه قضاییه است که در مقام شاکی، موارد نقض حقوق شهروندان را پیگیری می‌کند، اما در حیطه‌های تخصصی این امر باید بر عهده یک گروه کارشناسی گذاشته شود.**



قرار داده، در زمانی کوتاه، موارد احتمالی نقض حدود نشر کتاب و حقوق کودکان و نوجوانان را به دادگاه ارجاع دهد.

هیئت کارشناسی نباید منتظر عکس‌العملهای بیرونی نسبت به انتشار یک کتاب باشد چون در این صورت از یک هیئت فعال، به هیئتی منفعل تبدیل می‌شود. کارکرد هیئت مزبور، اطمینان بخشیدن به اولیای کودکان و نوجوان، همچنین اطمینان بخشیدن به مسئولان جامعه و پیشگیری از رشد افکار عمومی منفی علیه ناشران کتابهای کودکان و نوجوانان، بدون در نظر گرفتن نکات و دقائق تخصصی در این حیطه است. هیئت مزبور، در صورت کارکرد درست و بجا، توجیهات مربوط به حفظ سلامت و بهداشت روانی کودکان و نوجوانان از طریق ممیزی را از قائلان به ممیزی باز می‌ستاند.

هیئت کارشناسی مربوط به حقوق کودکان و نوجوانان، نهادی در عرض هیئت نظارت نیست تا این نهاد را قید بزند، بلکه در چارچوب وظایف هیئت نظارت، صرفاً در حیطه تشخیص نقض حقوق عمومی مربوط به کودکان و نوجوانان، و نه صدور مجوز، عمل می‌کند. این هیئت، مشروعیت خود را از هیئت نظارت می‌گیرد و صرفاً وظایف مربوط به آن هیئت را در حیطه‌ای تخصصی انجام می‌دهد.

از طریق هیئت منصفه نیز می‌توان تمهیداتی را برای استیفای حقوق کودکان و نوجوانان در عرصه نشر کتاب و حفظ حدود آن اندیشید. هیئت منصفه که نماینده عرف جامعه در قلمرو داوری بر

مواد نشر یافته است، این قوت قلب را به پدیدآورندگان و ناشران می‌دهد که آثار تولیدی آنان نه براساس سلیقه فرد یا گروهی خاص، بلکه براساس تلقی عرف، مورد سنجش قرار می‌گیرند. در مورد کتابهای کودکان و نوجوانان، هیئت منصفه تخصصی (مثل هیئت کارشناسی تخصصی برای نظارت) ضرورتی ندارد، چون در آن حیطه نیز ما به داوری عرفی نیاز داریم. اما اعضای هیئت منصفه برای جلسات بررسی جرائم مربوط به کتب کودکان و نوجوانان در دادگاه - که باید از میان یک هیئت عمومی منصفه و به قید قرعه انتخاب شوند - غیر از شرایط عمومی مثل عدم اشتها به فساد اخلاق و عدم سوء پیشینه مؤثر کیفری باید متأهل باشند، چون افراد مجرد، کمتر تجربه‌های عینی از مسائل مربوط به کودکان و نوجوانان را دارند و کمتر می‌توانند با دغدغه‌های اولیای کودکان و نوجوانان همدلی داشته باشند.

قانون از طریق تعریف جرائم و مجازات‌ها می‌تواند از وقوع آنها پیشگیری کند. کارکرد دیگر هیئت نظارت، نظارت بر حسن اجرای قانون است. هیئت منصفه پس از وقوع جرم وارد عمل می‌شود. اما تعریف جرائم و تعیین مجازات‌ها، کارکرد پیشگیرانه دارد و حیطه‌های غیرمجاز را به تولیدکنندگان و پدیدآورندگان نشان می‌دهد. حساسیتهای اولیا در کتابهای کودکان و نوجوانان عبارتند از: بیان یا نمایش انواع خشونت، اشکال گوناگون ارباب و تهدید که به سادگی می‌توانند احساس ترس و عدم امنیت را در کودکان و نوجوانان ایجاد کنند، بیان و نمایش رفتارهای

هر نسل به دنبال آن است که در فرایند اجتماعی شدن نسل بعد را براساس هنجارهای خود، اجتماعی کند. از نظر بزرگسالان، نفی این هنجارها و ارزشها در کتابهای کودکان و نوجوانان به معنی نفی هویت فرهنگی و اجتماعی است.



## اگر گروهی کارشناس بخواهند سطح تألیف کتب ویژه کودکان و نوجوانان را در جامعه بالا ببرند، باید از طریق سیاستهای پیشنهادی به بخش یا بخشهای مسئول این امور در دولت، تشکلهای مدنی و دست‌اندرکاران کتاب، اهداف فوق را دنبال کنند.

دولت می‌گذارد؛ یکی (ممیزی) به عنوان سد و مانع در حوزه عمومی مطرح می‌شود و دیگری (نظارت) به عنوان یک ضرورت اجتماعی؛ یکی (ممیزی) به عنوان خواست حکومت‌های استبدادی و تمامیت‌خواه مطرح می‌شود و دیگری (نظارت) به عنوان اقتضانات یک حکومت دموکراتیک و مردم‌سالار؛ یکی (ممیزی) به عنوان پدیده‌ای که هر روز عرصه‌ها بر آن تنگتر می‌شود و دیگری (نظارت) به عنوان یک ضرورت دائمی برای همه نسلها و زمانها.

همان‌طور که نشان داده شد با قانون نشر کتاب که مسائل ویژه کتب کودکان و نوجوانان را لحاظ کرده باشد، در صورت حذف ممیزی می‌توان اطمینان داشت که تازه واردها نتوانند ناشران حرفه‌ای را از میدان خارج کنند و در عین حال بتوانند به خوبی با آنها رقابت کنند، سودجویان و فرصت‌طلبان به این حیطه وارد نشوند، در امور زیبایی‌شناختی، زبانی و علمی کتب کودکان و نوجوانان هرچ و مرجع پیش نیاید، تجربیات گروه‌های کارشناسی که در طی دو سه دهه اخیر فراهم آمده و در آیین‌نامه‌ای تنظیم شده است<sup>(۱)</sup> - علی‌رغم برخی مشکلات آن - به دست فراموشی

خطرناکی که کودکان و نوجوانان به آسانی آنها را تقلید می‌کنند، تحریک جنسی و بیان و نمایش رفتارهای جنسی، نفی هنجارهای اجتماعی، تمسخر اقوام و اقلیت‌های مذهبی، و بدآموزیهای اخلاقی.

مواد قانونی باید مخاطراتی را که ممکن است با ورود به حیطه‌های فوق بروز کنند، به ناشران و پدیدآورندگان متذکر شوند، بدون آنکه در روند تولید و خلاقیت آنها مشکلی ایجاد کنند. مرجع تشخیص وقوع موارد فوق نیز همواره هیئت منصفه است، چون برای همه مفاهیم بالا (مثل خشونت، ارباب، تهدید، تمسخر، تحریک، بدآموزی) برداشتها و تعابیر مختلفی وجود دارد. پس در این موارد، تلقی مورد انتظار هیئت منصفه است که باید ملاک و مرجع قرار گیرد.

### ممیزی یا نظارت

اکنون با توجه به تصویری که از شرایط حاکمیت قانون نشر کتاب عرضه شد می‌توان به انتخاب میان ممیزی محتوایی قبل از نشر یا نظارت قبل و پس از نشر دست زد. هر دو شیوه، فقط بهداشت نشر را ادعا می‌کنند. اما یکی (ممیزی محتوایی) مستلزم نقض حقوق شهروندان در حیطه نشر (اصل ۲۴ قانون اساسی) و دیگری مستلزم استیفای حقوق آنهاست؛ یکی (نظارت) مسئولیت نظارت را به اولیای کودکان و نوجوانان (به عنوان شاکی خصوصی) و یک هیئت کارشناسی (به عنوان مدعی‌العموم) می‌سپارد و دیگری (ممیزی) کل مسئولیت نشر را بر عهده

۱- «ضوابط چاپ و نشر کتابهای کودکان و نوجوانان، مصوب هیأت نظارت بر نشر کتابهای کودکان و نوجوانان»، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل مراکز و روابط فرهنگی، واحد کتاب کودک و نوجوان، ۱۳۷۳. این مجموعه ضوابط ترکیبی است از یک آیین‌نامه جهت اجرای سیاستهای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای ارتقای کیفیت کتب کودکان و نوجوانان، نوعی آیین‌نامه اجرایی برای یک قانون محتمل نشر کتاب در حیطه کتب کودکان و نوجوانان و مواد و بندهایی از آن قانون.

## تأسیس نهادی مثل یک مدعی‌العموم برای پیگیری حقوق کودکان و نوجوانان را باید بر عهدهٔ قانون نشر کتاب گذاشت، اما تعیین جزئیات مربوط به ذکر گروه سنی بر روی جلد کتاب، کاری نیست که بر عهدهٔ قانون باشد و آیین‌نامهٔ اجرایی قانون متکفل آن است.

نظارت صوری علاوه بر حفظ بهداشت فرهنگی، تأمین حداکثر آزادیهای فردی، استیفای حقوق مصرح افراد در قانون، به حداقل رساندن تخلفات و جرائم و افزایش سطح مسئولیت‌پذیری را نیز بر عهده دارد.

نظارت صوری قانونی به نظامهای جمهوری مردم سالار تعلق دارد، اما ممیزی در نظامهای استبدادی یا دیکتاتورانه‌های ارشادی صورت می‌گیرد (نگاه کنید به جدول ۱). در نظارت صوری، یک پنج ضلعی عمل می‌کند که اضلاع آن عبارتند از: جامعه مدنی، قانون، قدرت، پیوندهای اجتماعی و حقوق فردی، اما در ممیزی تنها یکی از اینها حضور دارد؛ قدرت (به علاوهٔ دلسوزی که نمی‌تواند وجهی نهادینه پیدا کند). نظارت صوری ظرفیتهای دگرپذیری و دگراندیشی را افزایش می‌دهد، از وسعت شکاف فرهنگی بین اقشار گوناگون می‌کاهد، مخاطرات ورود به حیطة تولید را کم می‌کند و امنیت شغلی را در این حیطة افزایش می‌دهد، توهم هدایت‌شدگی همهٔ آحاد ملت توسط یک گروه را از میان می‌برد، افراد را از ورود به حیطة‌های غیرمعمول برای نشر آثار خود می‌رهاند و داوری را ضابطه‌مند می‌کند، اما ممیزی در همهٔ این حیطة‌ها برعکس عمل می‌کند. وجود ممیزی باعث می‌شود که جناحهای سیاسی، هریک تکرش خاص خود را در حیطةٔ ممیزی اعمال کنند، اما نظارت صوری با در نظر گرفتن هیئت نظارت و هیئت منصفه، نظارت را تا حد زیادی عرفی می‌کند و دخالت همهٔ نیروهای سیاسی و اجتماعی را در

سپرده نشود، دست مسئولان دولتی برای سیاستگذاری و برنامه‌ریزی بازتر شود، از اختلاط دو حیطةٔ نشر کتب بزرگسالان و کتابهای کودکان و نوجوانان جلوگیری شود (بدون آنکه دو قانون مستقل تنظیم شده باشد، بدون آنکه یک شخص حقیقی از داشتن پروانه در دو حوزهٔ بزرگسال و کودک و نوجوان محروم شود، بدون آنکه برای یک پروانهٔ نشر، دو مدیر مسئول معرفی شود، بدون آنکه میان شخص حقیقی و حقوقی از این حیث تفاوتی گذاشته شود، و بدون آنکه برای نشر کتب کودکان و نوجوانان بالضروره اخذ پروانهٔ مستقلی شرط شده باشد)، بخش خصوصی در نشر کتابهای کودکان و نوجوانان نیز همانند کتب بزرگسالان فعال باشد، کودکان که خود نمی‌توانند مدعی استیفای حقوق خویش باشند، حامیانی در قالب یک نهاد پیدا کنند، و به طور کلی زمینه‌های لازم برای توجه به حقوق کودکان و نوجوانان - که تا کنون در قوانین ایران بدان کم توجهی شده است - فراهم آید.

نظارت قانونی و مطرح شده، نظارت را از سطح محتوایی و مضمونی (ممیزی) به سطح نظارت صوری در چارچوب قانون ارتقا می‌دهد. ممیزی توسط مراجع اقتدار، یعنی گروهی که قدرت را در دست دارند انجام می‌شود (معمولاً بدون شفافیت و پشت درهای بسته) اما نظارت، به طور علنی و در معرض افکار عمومی و توسط مراجع قانونی و مسئول انجام می‌گیرد. هدف از ممیزی صرفاً حفظ بهداشت فرهنگی است، اما

## تنها متخصصان ادبیات و حقوق کودکان و نوجوانان هستند که می‌توانند موارد نقض حقوق کودکان و نوجوانان را تشخیص و جهت بررسی به دادگاه ارجاع دهند.

مجرای خاصی قرار می‌دهد. در ممیزی، برخلاف اینکه چگونه نظارت شود غلبه پیدا می‌کند. □ نظارت صوری، اینکه چه کسانی نظارت کنند، بر

جدول ۱- نظارت و ممیزی در چارچوب حوزه عمومی

نوع نظارت	جامعه	چارچوب پشتیبانی	نظام مشروعیت	نظام سیاسی
نظارت محتوایی (ممیزی)	توده‌وار	ایدئولوژی تمامیت‌طلب	مشروعیت فرهمندانه	حکومت مطلقه
نظارت محتوایی (ممیزی)	سنتی توده‌دار	سنت/ایدئولوژی	مشروعیت سنتی/فرهمندانه	دمکراسی ارشادی
نظارت صوری	مدنی	اخلاق و حقوق مدنی	مشروعیت قانونی	جمهوری



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

